

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

روزه جنگ ایران و عراق
بیکار
 ♦♦♦

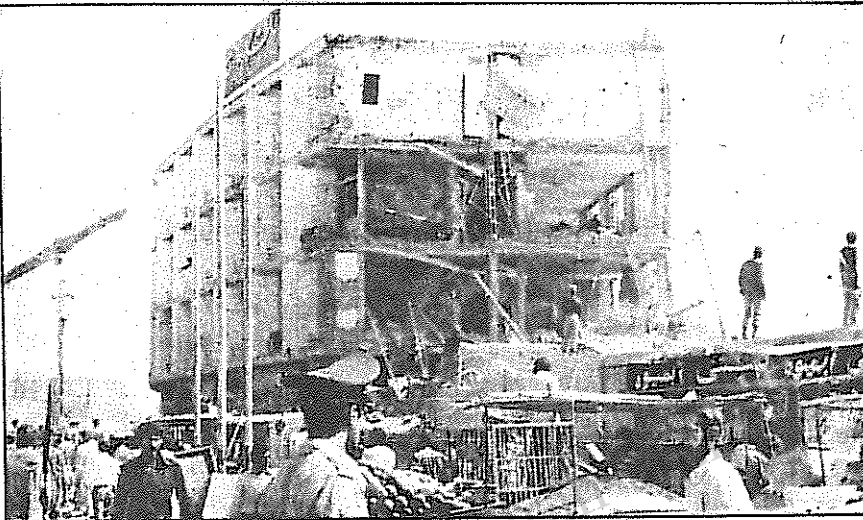
پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۵۹ بها ۵ بابل

خبرنامه جنگ ۵

- سیاست رژیم گوست دم توپ یا اجرای مقررات زمان جنگ صفحه ۲
- فرماندهان ارتش فرار کرده و با ارتش عراق همکاری می کنند صفحه ۶
- جواب دندان شکن کارگران به جنگ ناعادلانه سرمایه داران صفحه ۳

جنگ و خیانت رویزیونیستها

صفحه ۴



اینجا میدان آزادی کرمانشاه است. در این نگاه این سنگر آزادی توسط بمب های ارتجاع تخریب گشته است.

داشتن مسکن، حق مسلم کوچ کنندگان کرمانشاه

در روز ۷/۹ عده ای از آوارگان قصر شیرین که در اردوگاه های اطراف کرمانشاه نظیر: سراب نیلوفر، و شهرک آناهیتا اسکان داده شده اند بدلیل عدم جای کافی و سرپناه موقت (استانداری کرمانشاه برای اینکه آنها را وادار نماید در زیر آتش گلوله و خمپاره به قصر شیرین برنگردند، عمداً از جهت رفاهی آنها را تحت فشار می گذارد) تصمیم میگیرند به هتل فروش (داریوش سابق) رفته و آنجا را برای زندگی موقت خود به تصرف درآورند. این عمل زحمتکشان و آوارگان با بقیه در صفحه ۲

کودتای چیان در خدمت رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت طبقا تئیس سرپرندگان و کودتای چیان راه فعالیت فرا میخواند، و از آنها برای سرکوب زحمتکشان عراق و خلق کرد استفاده میکند. رژیم بتازگی ارتشانی را که اخراج و بنا زندانی بودند و یا در کودتای ننگین اخیر شرکت داشته اند دوباره بکار گرفته بقیه در صفحه ۸

چه کسانی از جنگ ایران و عراق سود می برند؟

امروز حدود ۵ هفته از جنگ میان ایران و عراق میگذرد. در این ۵ هفته متجاوزان هزاران نفر از مردم ما و عراق چه در جبهه جنگ و چه در زیر آوارگان خود را دست داده اند، بیش از هزاران خانواده که در نقاط جنگ زده زندگی میکردند، آواره شهرهای دیگر شده اند. در این ۵ هفته بسیاری از مراکز صنعتی و نفتی ایران و عراق بکلی منهدم و غیر قابل استفاده شده هزاران تانک، هواپیما، هلیکوپتر و سایر وسایل جنگی از بین رفته است. در این ۵ هفته...

براستی با این همه تکیه و بدبختی، خسارت و تلفات که جنگ بپا آورده، چه کسانی از ادامه آن سود میبرند؟ بانگای کوتاه به لابلای اخبار روزنامه ها بخوبی پی میبریم که واقعا چه کسانی از این جنگ سود میبرند. در این روزنامه ها این خبرها چشم میخورد. دولت کاترین استفاده از این موقعیت به چندین پیش چار هواپیما و آواکس تحویل رژیم ارتجاعی عربستان داد. آمریکا اخیراً تعدادی موشکهای ضد هوایی "هاوک" تحویل عمان داد. عراق برای حراست از بقیه تجهیزات اتمی خود که ساخت فرانسه میباشد، موشکهای زمین به هوای "کروتال" بقیه در صفحه ۴

دستگیری هواداران سازمان

صفحه ۸

گوشه های مختلف جنگ

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سیاست رژیم: گوشت دم توپ یا اجرای مقررات زمان جنگ

ادامه جنگ ارتجاعی و تحمیلی رژیم - های ایران و عراق و مبارزان بی وقفه شهرها و روستاهای خوزستان و غرب کشور بوسیله مزدوران رژیم بعث عراق، مردم بیدافا عوز حمتکش این مناطق را وادار به ترک خانه و کارخانه خود نموده است. رژیم جمهوری اسلامی بدون اینکه قادر باشد کوچکترین پناهاگاه و حمل امنی برای مردم جنگ زده ای که در زیر باران بمب ها و توپ ها و تانکهای روسی ارتش عراق هستی خود را از دست میدهند، فراهم نماید - عناوین مختلف کوشش میکند از کوچ مردم این شهرها جلوگیری نماید و چون تبلیغات گوش کرکن رادیو تلویزیون و روزنامه ها بیش کاری از پیش نمیبرد به تهدید و ارباب دست میزند. "ستاد امنیت" اهواز اعلامیه پشت اعلامیه میدهد که با "فراریان از شهر" چنین و چنان خواهد کرد. استانداری خوزستان با انتشار اعلامیه ای از کلیه ادارات و موسسات دولتی میخواند که "همه روزه لیست حضور و غیاب کارکنان خود را در پایان وقت اداری به استانداری ارسال کنند" و به کارکنان اخطار میکند که "در صورت عدم حضور در ادارات مربوطه براساس مقررات زمان جنگ با آنها رفتار میشود." (کیهان سه شنبه ۱۲ مهر ۵۹) آموزش و پرورش معلمین را با زور به مدارس خالی از دانش آموز میکشاند تا به انتظار اصابت بمب و خمپاره نباشی ها بنشینند! استانداری بوشهر اطلاعیه ای مشابه با تهدید و ارباب همتای خوزستانی اش میدهد "موازی - قانونی زمان جنگ" را برخ کارمندان غایب میکند (جمهوری اسلامی ۲۶ مهر ۵۹) "امام جمعه" شیراز آیت الله دستغیب در نماز جمعه به کسانی که در اوندادار خود را کرده و به شیراز کوچ کرده اند زشت ترین نسبت ها را داده و بدترین توهین ها را می - نماید از مردم شیراز میخواند که به پروری زنان این کوچ کنندگان تف کنند!!

سپاه پاسداران شیراز نیز طی اطلاعیه - های مردم جنگ زده جنوب را که حاضر نیستند "گوشت دم توپ" جمهوری اسلامی شوند "وطن فرشان بزدل" و "ستون پنجم دشمن" و "شایعه ب.ا.کن" می نامد. رفقای هوادار زمان در شیراز با پخش اعلامیه ها و تبلیغات انقلابی سیاستهای رژیم را در مورد حمتکشان جنگ زده افشا کرده اند. در یکی از این اعلامیه ها آمده است:

"در خیابان آنها را دستگیر میکنند، مردم نا آگاه را بر علیه آنان تحریک مینمایند و با لایحه سپاه پاسداران ضد انقلاب اعلامیه ای تحت عنوان "هشدار به همشهریان عزیز در مورد فراریهای جنگ خوزستان" صادر میکنند و دست به انواع فحاشی و هتاکه نسبت به آنان میزند. سپاه پاسداران که دیگر دستش تا مفرق بخون کارگران دهقانان و خلقهای مآلوده است، جوانانی را که مردم شیراز را به فلاکت و شکستی که گریبانگیر مناطق جنگ زده است آشنا میسازند و نیات جنگ طلبانه رژیم را برای مردم افشا میکنند، "قراری از جنگ"، "وطن فروش"، "بزدل" و "توکران حلقه بگوش آمریکا" میخواند. در حالیکه اینان فقط مردمی هستند که میبینند جنگ هیچ منفی بحال نوده ها ندارد. ونمی خواهند گوشت دم توپ ارتجاع بشوند. "رفقای هوادار در شیراز در اعلامیه دیگری ضمن افشای تبلیغات سردمداران رژیم علیه هم میهنان جنگ زده - ای که با اعتراض و افشاگری ماهیت جنگ ارتجاعی وضع توده های جنگ زده را توضیح میدهند مینویستند:

"بله، ارتجاع از این "شایعه پراکنی" - ها و در واقع افشاگریهای هموطنان خوزستانی وحشت دارد، چرا که این افشاگریها هر چه بیشتر ارا رسوا میکند ارتجاع بقدری بدست و پا افتاده که از توهین و هتامت به زنان زجر کشیده ای که از زیر آتش توپ و خمپاره به شهر ما پناهنده آورده اند و چه بسا عزیزان خود را از دست داده اند، آبا نی ندارد و آنها را عربان" و "میخواند."

سرپرست شرکت نفت در مناطق جنوب نیز بیکار رنما نه است. او در اطلاعیه ای مردمی را که خانه و زندگی خود را رها کرده و آواره شهرها و روستاها گشته اند "فدا انقلاب" میخواند. در این اطلاعیه آمده است که اگر کسی محل خدمت خود را ترک کند، این عمل بمنزله استعفا تلقی خواهد شد و چنین کسی "مشمول مقررات زمان جنگ" قرار خواهد گرفت، برای بورژوازی جان مردم پیشیزی ارزش ندارد. از دید آنان حمتکشان برای این خوبند که بر تولیدیافزایند و بقیامت استشاران جیب سرمایه داران بشود، حتی اگر مجبور شوند زیر بمب ها

گلوله های توپها جان خود را از دست بدهند اما زحمتکشان میهن ما که ماها در برابر تانکها و مسلسلهای آمریکائی رژیم وابسته شاه قدیمی به عقب ننهادند و راه انقلاب حماسه ها آفریدند، حاضر نیستند فدای تملات شوم رژیمهای عراق و ایران گردند. آنها میدانند که جنگ تحمیلی غیر - عادلانه برای زحمتکشان جز درماندگی، نگون بختی و آوارگی و... ارمغان دیگری نخواهد داشت. ■

بقیه از صفحه ۱ داشتن مسکن...

عکس العمل شدید فدا لانرها رو برورده و آوارگان مقاومت میکنند و با آنها درگیر میشوند و چند نفر از فدا لانرها را مضروب می - نمایند. بعد از درگیری، شهربانی وسپاه هم وارد عمل میشوند. ولی قبل از آمدن آنها، آوارگان بدو دسته پیاپی ده و سواره تقسیم شده و افرادی ده بطرف شهربانی به راه پیمایی پرداختند و زنان و کودکان هم سوار ماشین های باری در شهر به گشت میپردازند:

آوارگان زحمتکش قصر شیرین بارش شهربانی و پاسبانها گلاویز میشوند که در این جریان "سرهنگ صمیمی" رئیس شهربانی - بشدت مضروب میشود.

آوارگان میگفتند وقتی این آقایان سپاه و غیره در کرمانشان راحت خوابیده بودند ما زیر گلوله بودیم و الان ۶ ماه است که شب و روز زیر ضربات جنگ هستیم و الان همه علت موقعیت جنگی قصر شیرین و بی دفاع بودن و عدم پشتیبانی ارتش از ما، نمیتوانیم برویم و وقت کشته شویم. روز ۷/۱۲، مردم آواره زحمتکش قصر - شیرین را به زور سوار ماشین ها میکنند و از شهرک ها به قصر شیرین میفرستند و در مقابل اعتراض آنها جواب میدهند: ما اینجنان اضافی و مواد غذایی نداریم که به شما بدهیم و شما باید بروید و در قصر - شیرین بجنگید.

زحمتکشان ما هر لحظه در زندگی خود به ماهیت ارتجاعی این جنگ پی میبرند و با لایحه روزی خواهد رسید که این فریادهای اعتراض به خشم انقلابی بر علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مبدل شود! امروز خواست زحمتکشان شهرهای جنگ زده قطع جنگ بوده و تا زمانی که این جنگ لعنتی به پایان نرسیده تصرف مراکز دولتی و خانه متعلق به سرمایه داران حق مسلم آنها نیست. ■

مصاحبه با خلبانان: افشای رژیم

"سیمای جمهوری اسلامی" در روز ۲۱ مهر با خلبانان هوا نیروی مصاحبه ای انجام داد. گرچه اینگونه مصاحبه ها بمنظور "قهرمانی" کردن ارتش و در واقع تظهير ماهيت جنايتكارانه آن صورت ميگيرد. مع ذلک خود افشاگر رژیم جمهوری اسلامی است: خبرنگار خطاب بيکي از خلبانان ميگويد: "سروان خلبان غلامرضا شهپرست شما مثل اينکه تاکنون رشادتهاي زيادي از خود نشان داده و بدرجات زيادي مفتخر شده ايد؟" و سروان نيز پاسخ ميدهد: "بله، من کاري نکردم، من فقط با يک هليکوپتر ۱۳۸، تانک را منهدم کردم (۱) بقيه خلبانان از من ورزيده ترند جا لب است بدا نيم که سروان خلبان غلامرضا شهپرست کسي است که در بيماران کردستان "رشادتهاي" فراواني از خود نشان داده و تمام ترقيات و درجات را نيز بخاطر خوب بيماران کردن خلق کرد، گرفته است. چندي پيش نيز عکس او به همراه چند خلبان سر- کوبگر ديگر بوسيله "پرسنال انقلابي ارتش" در اعلاميه اي افشاگرانه چاپ شده بود. براستي که سروان شهپرست، "شاهپرست" است که اينچنين به کشتار مردم بي دفاع ميپردازد!

جواب دندان شکن کارگران به جنگ نامعادلانه سرمايه داران!

روزيده مهر از کارگران زحمتکش بخش ساختمان شکت نفت خواسته ميشود که براي جنگ اعلام آمادگي کنند و به جبهه جنگ بروند. کارگران جواب دندان شکني به آنها ميدهند. از جمله جواب يکي از کارگران زحمتکش به آنها که نمايانگر نفرت عميق وي از سرمايه داران و رژيم سرمايه داري و بي شرمي بودن اين جنگ براي زحمتکشان است. چنين است: "من با چه تضميني به جنگ بروم و کشته شوم؟ فردا زن و بچه هايم را کي نگهداري ميکند، کي به آنها غذا ميدهد و زندگي آنها را تا مين ميکند؟ من بروم و خودم را فدای حکومتی کنم که بهشتي ورفسنجاني و بازرگان و بنی صدر از سر دمدا را آن هستند؟ عمروجان مفتي که ندارم، از جانم هم سیر نیستم، الکی هم نمی خواهم شهید شوم."

در بمباران پالایشگاه تبریز نیز زحمتکشان کشته و زخمی شدند

دقيقه بعد از خطر بمباران درميانيد و يا آتشبارهاي هوايي شروع به شليک ميکنند، هر وقت هم ميخواهي حرف بزني ميخواهند سر آدم را ببرند. يکي از کارکنان ميگفت: "مسئله اين نيست که امروز اين اتفاق افتاده است، بلکه ما در روزهاي آينده هم دچار چنين مصيبت ها هستيم."

مردم نسبتا زيادي در بيمارستان جمع شده بودند و با چهره هاي برافروخته و پر خشم دنبال کم و کيف جريان بودند. يک زحمتکش ميگفت که "ديروز هوا - پيما هاي آيراني عراق را بمباران کرده - اندا امروز شاهد اين باشيم که آنها تلافی حمله ديروز را بکنند."

در جنگ غير عادلانه و تحميلي گه رژيمهاي ارتجاعي ايران و عراق خلق هاي دو کشور را به ميدهند کشته ها و زخمی ها از کارگران و ديگر زحمتکشان خواهند بود و جزوارگي و بي خانماني عايدی نصيب آنان نخواهد شد.

حدود ساعت ۹/۴۵ صبح چهار رشنبه ۲۲ مهر پالایشگاه تبریز مورد حمله يک فروتنديک رژيم ارتجاعي عراق قرار گرفت. کارگران و تکنسین ها در هنگام حمله هوايي مشغول تعمير خطوط لوله کسه در حملات قبلي آسیب ديده بودند، بودند. در اثر بمب و رگبار هوا پيما هاي عراقی يکي از کارکنان پالایشگاه بنا ملايير شهيد شده و ده کارگر زخمی شدند. يکي از کارکنان از ناحیه دويآسيب ديده و در پايش را قطع کردند بخشی از زخمی ها را با يک وانت يا ربه بيمارستان راه آهن منتقل کردند. کارگران و تکنسین ها هي که همراه زخمی ها به بيمارستان آمده بودند، انجا رونفرت خود را از اين وضع مخفی نمی کردند. يکي از آنها متاسفانه زخمی شدند همکارشان ميگفت:

"اين مسئولان مملکت کجا هستند؟ ما هيچگونه ايمنی نداريم، وقتي که هوا پيما ها حمله ميکنند تا زده ۱۵-۱۵

وحشت رژيم صدام از انعکاس جنگ در مردم عراق

* - بگفته يک شيا ز جبهه نيروهاي عراقی ظرف روزهاي ۷/۲۰ تا ۷/۲۱ از "دارخوين" گذشته و به "سلمانيه" رسیده اند. صدام "سلمانيه" ۵۰ كيلومتر است. بر اين اساس ميتوان گفت که عراق همچون گذشته سريع دست بقدرت نمايي ميزند و آرام آرام پيش ميرود. از طرفی گفته ميشود عراق سعی دارد کمتر از نيروي بياداه استفاده کند و اين امر دليل سياسي داخل دارد. يعني کشته شدن هر سرباز با توجه به وضع متشنج عراق، وضع حاکميت را در عراق وخيمتر ميکند و به نارضائيتی عمومی دامن ميزند. به همين دليل از نيروهاي زرهی بيشترا استفاده ميکنند.

ترتيب آنها را به جبهه جنگ اعزام می نمایند. اين مسئله نشان ميدهد که جواناني که حاضرند به جنگ بروند، نمی خواهند برادر کشي کنند. آنان به علت توهم و تبليغات شوپنيستی ارتجاع خواهان شرکت در جنگ ايران و عراق ميباشند.

اعتراض متقضيان ۵۶ به اعزام آنها به کردستان!

حدود ۵۵۰ نفر از متقضي خدمت هاي ۵۶ را که به پادگان هاي تهران آورده بودند اول به آنها اعلام کردند که با يدهمگسي آموزش يا تفنگ ژ-۳ را بپيچيد، عده اي از سربازان اعتراض ميکنند که "ما آموزش يا ژ-۳ را ديده ايم و اگر سلاح ديگري نداريد ما را اعزام نکنيد که آنها پس از تماس با ستاد مشترک و سرگرم کردن سربازان اعلام ميکنند که با يدهمگسي کنيم و شما را بين آذربايجان، کردستان و خوزستان تقسيم نمايم، متقضي خدمت هاي ۵۶ آغا جاري اعتراض کرده و از رفتن به کردستان خودداری ميکنند، مقامات پادگان به آنها ميگويند که هرگونه سر- بيچي از دستور مطابق قانون زمان جنگ عمل خواهد شد که با آنها روی حرف خود پافشاري ميکنند و بالاخره مسئولين در مقابل مقامات آنها کوتاه آمده و آنها را به خوزستان اعزام ميکنند بقيه به همين شکل اعتراض کرده و فقط ۱۲ نفر حاضر رفتن به کردستان ميشوند و به همين

جنگ و خیانت رویزیونیستها

توده های جنگ زده - رویزیونیستهای
فدایی (اکثریت) را از خود رانده اند

"اکثریت" فدائیان با خواری تمام تنها مانده اند. دیگران زنده ها شبکه در روزهای اول با شوق مسئولیت میخواستند خبری نیست، فقط مسئولین آنها مانده - اند که تحت فرماندهی پاسداران از مساجد تفنگ ۱۰ گرفته و در کوچه ها نگهبانی میدهند. آنها کاری به مردم ندارند. مردمی که سالها زیر توب و تانگ رژیم شاه مقاومت کردند و بنروزها در مقابل حملات هوایی و زمینی رژیم فاشیستی عراق شهرها را ترک میکنند آنها فهمیده اند که این جنگ جز نا بودی شمری برای آنها ندارد. جوانانی که در دوسه روز نخست جنگ با روحیه خوب آماده امداد بودند پس از اینکه پاسداران همه چیز را تحت هدایت خود گرفتند و اسلحه ندادند، دیگران زیر بار نرفتند. حتی جوانان فعال نیز شهر را ترک میکنند. دیدم مردم نسبت به ما هیت و عملکرد رژیم باز تر شده و اینهمه کشتار را از ما هیت ارتجاعی و تجا و زکا را نه هر دو رژیم ایران و عراق می دانند. آنها به رژیم جمهوری اسلامی پشت میکنند ولی مرتدان رویزیونیست با آنها پشت کرده و به آستانبوسی ارتجاع میروند.

خوش رقصی رویزیونیستها و تودهنی رژیم به آنها!

مدتهاست که فریاد "ملی و ضد امپریا - لیست" بودن رژیم جمهوری اسلامی، از جانب رویزیونیستهای "توده ای" و "فدائیان اکثریت" شنیده میشود و تا کنون با تمام قدرت به تطهیر رژیم پرداخته اند از جمله در جنگ نا عادلانه اخیر، رویزیونیستها (خائنین به طبقه کارگر) شعار دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را داده و با این نیت خود را موظف میدانند که در جنگ شرکت کنند چرایی "اکثریت" در هفته های اخیر عده ای از افراد خود را برای جنگ به

قصر شیرین میفرستند، اما بایستی توجهی کامل ارتش و پاسداران مواجه میشوند. نیروهای رژیم تنها هیچگونه هماهنگی و همکاری با آنها نمیکند، بلکه از دادن امکانات و آذوقه نیز کوتاهی میکنند و نیروهای اکثریت با این وضعیت که تنها موجب هرز رفتن نیروها باشد میگذشت، عقب نشینی میکنند. در ضمن حدود یکماه پیش از این ۲۵ نفر از افراد "حزب توده" آمادگی خود را برای جنگ با حکومت بعث عراق اعلام میکنند و میخواهند که در اختیار سپاه و ارتش قرار بگیرند. سپاه، این ۲۵ نفر را و طلب را در عملیات آمادگی مورد تحقیر کامل قرار میدهد و پس از اینان عملیات آمادگی از پذیرفتن آنها - خودداری میکنند.

شرکت حزب ارتجاعی "رنجبران" در جنگ

طبق اطلاعات رسیده، حزب ارتجاعی "رنجبران" عده ای را بوسیله اسلحه و مهمات رژیم جمهوری اسلامی، تجهیز کرده و به جبهه جنگ فرستاده است. این حزب در امضاها بین بازاریها، نفوذ زیادی دارد. عده ای از بازاریهای این شهر عضو و هواداران حزب "سه جها نی" و ارتجاعی هستند. آری این فقط "سه جها نی" ها و سایر رویزیونیستها (این خائنین به طبقه کارگر) هستند که با بد برای رژیمهای ارتجاعی چون جمهوری اسلامی، دل بسوزانند چرا که حیاتشان در گرو وجود چنین رژیمهایی است. اینان از سرمایه دفاع میکنند و سرمایه داران از اینان!

تصحیح خبر

در خبرنا مه جنگ شماره یک صفحه ۲ در مورد خبری از ما شهر، اشتباهی رخ داده ضمن پوش، صحیح آن بصورت زیر است:
۱ - در مورد انفجار تانک آمونیا که خبر نادرست بوده خبر صحیح چنین است:
"تانک آمونیا که شماره یک سوراخ شده و بهمین دلیل آمونیاک موجود در تانک را به دریا خالی کرده اند، که مقدار آن در حدود ۴۰ - ۳۰ هزار تن بوده است." (پینا) است که سوراخ شدن تانک مذکور بر اثر حمله هوایی بوده است.
۲ - در همان صفحه خبری مبنی بر بمباران تاسیسات نفتی ما شهر آمده است که صحیح نمیشد.

بقیه از صفحه ۱ چه کسانی...

از فرانسه درخواست نموده است؛ شوری ۱۰۰ تانک "پی - ۷۲" تحویل رژیم صدام حسین میدهد؛ ایران از ترکیه و کره جنوبی اسلحه و لوازم بیدکی میخرد؛ ایران از فرانسه درخواست تعمیر هلیکوپتر نظامی خود را کرد و برای این منظور با کارخانه داسوسا زنده میرا قرارداد میبندد؛ و... اینگونه خبرها نشان میدهد که امپریا لیستها با فروش تسلیحات و تجهیزات و وسائل نظامی خود میلیاردها دلار از این جنگ سود میبرند؛ اما از تگری آنها صرفا در این زمینه نیست بلکه بسیاری از صنایع از طریق جنگ خسارت دیده اند و پرواضحت که امپریا لیستها در این زمینه نیز از طریق فروش و بازسازی صنایع آسیب دیده، میلیاردها دلار بجا می زنند. بعنوان نمونه خسارات جنگی عراق تا ۴ میلیارد دلار برآورد شده است. و در مورد ایران هم میلیونها دلار به تاسیسات نفتی آسیب رسیده. ولی آیا این تنها امپریا لیستها هستند که ادا مه جنگ به نفعشان است؟

خیر این جنگ برای رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق هم منفای در بر دارد؛ هر دو رژیم در منصرف کردن جنبش کشور خود از حربه جنگ استفاده می کنند به این صورت که ذهن مردم را از مسائل داخلی کشور بطرف جنگ جلب میکنند و با تبلیغات کرکننده خود سعی در بسیج مردم برای شرکت در جنگ ارتجاعی دارند.

رژیم سعی میکند با از این موقعیت برای تشدید خفقان و سرکوب جنبش استفاده کند. بنحویکه تنها جم علیه خلق کرد را تشدید می کنند و یا مثلا افرادی را که برای آگاهی دادن به مردم به پخش اعلامیه و فروش کتاب - های انقلابی میپردازند را بعنوان ضد انقلاب دستگیر کرده و زندانی میکنند و به این ترتیب ترس خود را از آگاه شدن توده - های مردم نشان میدهد بنا بر این نتیجه اینکه این جنگ ارتجاعی برای امپریالیست - ها و رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق بالاترین سودها را چه از نظر مادی و چه از نظر سیاسی در بر دارد و در این جنگ تنها کسانی که ضرر و صدمه میبینند توده های خلقهای ایران و عراق میباشد.



رژیمهایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

اخبار جنگ در اهواز

(از ۱۷ تا ۲۴ مهرماه)

★ ۵۹/۷/۱۷ - در این روز رژیم مزدور عراق دست به یک حمله به شهرزد. در این حمله بیمارستان های آپادانا و شیر و خورشید، دبیرستان محبوبه متحدین، مدرسه عالی بازرگانی اداره کشاورزی، چندواگن نفتی راه آهن، منطقه راه آهن ورزشگاه تختی انبار بزرگ قیر و روغن موتور شرکت نفت، چندین خانه مسکونی، ۲ عدد مینی بوس و یک تاکسی و یک ماشین شولرت، یک جیب لندر و حامل پاسداران و تعدادی از خیابانهای اطراف آسیب می بینند. علاوه بر اینها بخشی از تاسیسات شرکت نورددجا آتش سوزی گردید.

باز هم رژیم جمهوری اسلامی خائنانه مردم را تهدید به ماندن در شهر و جمع شدن در یک محل مینماید که تبدیل به گوشه دم توپ شوند.

★ ۵۹/۷/۱۷ - چادر امداد "مجا هدیمن خلق" در خیابان کیان خشا یا رموردیوش پاسداران قرار میگیرد آنجا چادر ابر چیده و سه نفر را دستگیر میکنند.

★ ۵۹/۷/۱۹ - کارگران ساختمانی که کرد و آذربایجانی در میان آنها زیادت بیعت جنگ و نبودن کار، اهواز را ترک کرده اند، کارگران حقاری کارشان تعطیل و تحت فشار مالی هستند. یک کارگر حقاری میگفت حتی ۴۰۰ تومان ندارم تا شهر را ترک کنم و دنبال قرض میگشت.

جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان جز آوارگی و بیچارگی و درماندگی چیزی ببار نمی آورد.

در حمله چهار بمب افکن عراقی به صنایع فولاد در ساعت ۶/۵۰ (هنگام ورود کارگران) در حدود ۱۲ نفر از کارگران زحمتکش کشته شده و بیش از ۸۰ نفر زخمی شدند. کارگران از اینکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم بمباران روزانه کارخانه آنها تعطیل نمی کند بسیار خشمگین هستند.

★ ۵۹/۷/۱۹ - طی حمله عراقی به زیتون کارمندی ۲۵ نفر کشته شده و تعدادی خانه درهم کوبیده میشود. پاسداران ضد انقلاب در شرایطی که اهالی خانه ها هنوز زیر آوار بودند، با حمله وحشیانه خود و شکستن قفل چمدانها بدنیاال اعلامیه و کتا بهای ضد انقلابی! میگشتند. در پاسخ مردم که علت این کارشان را می پرسیدند میگفتند که: میخواستیم ببینیم که اگر کسی از آنها کمونیست بود اسمشید رویش نگذاریم.

★ ۵۹/۷/۲۴ - در ناحیه ای بنام "دروازه" در مدخل ورودیه محله "زیتون کارگری" از ماشینیه که چهار سرنشین داشت نارنجکی بطرف مخزن ذخیره نفت که در قسمت اداره پخش است پرتاب شد. اما نارنجک عمل نمیکند. در این هنگام مردم ماشین را متوقف کرده و بجان سرنشینان آن می افتند و آنقدر آنها را کشتک میزنند که بیهوش میشوند. سپس به تحقیق پیرامون تعیین هویت آنها میپردازند. مشخص میشود که سه نفر آنها عراقی هستند که لباس ارتشی بتن داشته اند و روی لباس بلند عربی (دشداشه) پوشیده بودند. و راننده ماشین نیز ایرانی بوده است. پس از آن مردم آنها را سوار یک مینی بوس کردند تا تحویل مقامات دولتی بدهند.

حال این سوال مطرح میشود که رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبش که اینچنین هرسوراخ و سنبه ای را بدنیاال انقلابیون میگردانند آنها را دستگیر کرده ترور و شکنجه کنند و مرتب برای کارگران اطلاعیه صادر میکنند که "در صورت خروج از شهر طبق مقررات زمان جنگ با آنها رفتار میشود"، اما چگونه میشود که مزدوران عراقی به این راحتی میتوانند داخل شهر بیایند؟

بی اعتمادی مردم نسبت به رژیم

در تاریخ ۵۹/۷/۲۳، بیعت حملات گسترده ارتش عراق به اهواز، مردم این شهر با هروسيله ای که در اختیار داشته باشند شهر را ترک میکنند. بطوریکه روز به روز به جمعیت آوارگان شهرهای دیگر افزوده میشود.

هرچه حملات عراق وسیعتر و شدیدتر میشود، مردم بیشتر شهر را تخلیه میکنند. روحیه مردم ضعیف شده و وعده ای بناچار در

فکر کردن خندق و جای امن برای خود هستند. دیگران غلب مردم نسبت به ارتش و رژیم جمهوری اسلامی اعتماد ندارند و بیشتر حرفهای آنها را دروغ میدانند.

رژیم ضد انقلابیون دیروز را اکنون به کار فرآورده است!

روزی ۱۰ مهر را دیو اهواز اعلام میکنند که: "تمام کارهای پاکسازی شده پزشکی و بهداشتی و پرستاری بیمارستانهای خوزستان خواسته میشود که چون به تخصص آنها احتیاج است، خود را بمحلهای قبلی خدمت خود معرفی کنند، بدیهی است که نحوه کار کردن آنها باعث تجدید نظر در پاکسازی آنها خواهد شد. متن ایمن اطلاعیه و لجن سردمداران رژیم، خود بخود ما هیت مفتضحانه و ضد مردمی آنها را بر ملا میسازد. رژیم کارکنان را میخواهد ولی فقط زمانی که بعنوان بلا اراده او عمل کنند و در خدمت اهداف مرتجعانسه آنها باشند. آروز که اینها را بیرون کردند، خوشحال از پاکسازی "ضد انقلاب" بودند ولی امروز برای اهداف ضد انقلابی خود، همان به اصطلاح ضد انقلاب را بخد مت میگیرد. لابد بعد از تمام احتیاجش در مورد عناصروا بسته به رژیم سابق که پاکسازی شده بودند، تجدید نظر خواهد کرد و عناصروا را مجددا بجرم "ضد انقلابی" پاکسازی خواهد کرد، ولی حتما اینبار به جرم "شرکت در مداوای مردم بمباران شده!"

مردم از شنیدن اخبار دروغ به خشم می آیند!

بدنیاال اخبار صدام و سیمای جمهوری اسلامی که میگفت "وضع اهواز آرام است گروههای مختلف مردم تنفر خود را بصورت های گوناگون از این اخبار جعلی و دروغ ابراز داشتند. در یکی از محلات حصیر آباد اهواز پیرمردی به محض شنیدن این خبر رادیوی کوچک خود را بشدت بزمین زد و خرد کرد، سپس گفت "از صبح تا حالا ما مورد حمله هوایی و زمینی هستیم، این دروغگویان میگویند اهواز آرام است، آرام برای شماست که در کاخهای منازل امن نشسته اید، نه برای ما که هر لحظه منتظر بمباران هستیم!"

بهر برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

فرماندهان ارتش عراق همکاری میکنند و با ارتش عراق همکاری میکنند

پای صحبت عده‌ای از سربازان که از جبهه برگشته اند می‌نشینیم. حاصل گفتگوی ما با سربازان در زیر می‌آید:

همه سربازان متفقا بر این ایمان بودند که خیانت‌های بسیاری توسط سربازان فرماندهان ارتش صورت می‌گیرد، در همان اولین روزهای درگیری در مرز شلمچه، خیلی از فرماندهان از صحنه فرار کرده و خود را تسلیم ارتش عراق کرده و از سربازان نیز می‌خواستند تا خود را تسلیم کنند، یکی از فرماندهان بلندگورا برداشته و خطاب به همه می‌گفت: بفرماندهان سربازان زود درجه دار بهتر است که همه ما تسلیم بفرماندهان عراقی شویم و بدنبال این گفته خود بفرماندهان ارتش عراق رفته و صورت آنها را می‌بوسد و بدنبال آن عده‌ای دیگر نیز بفرماندهان عراقیها سرازیر میشوند، سربازان و درجه داران و افسران جزء که این کار را خیانت دانسته و همچنان تا آخرین نفس با ارتش عراق می‌جنگیدند در همان روزهای اول بسیاری شهید دادند.

فرماندهان ارتش با عراق همکاری می‌کنند

درجه داری که را شنیده‌اند تا نک است اظهار داشت: ما یک لشکر بودیم که در "دهلران" در محلی بنام "تنگ خوش" جبهه داشتیم، ۵ روز تمام در این جبهه بودیم و در این مدت فقط یکبار بمقداری نان خشک خوردیم، مرتب بوسیله رادیو تقاضای ارسال کمک می‌کردیم، بما جواب میدادند که نیرو فرستادیم و سواره است، ولی هر چه منتظر می‌ماندیم خبری از نیروی کمکی نبود، همه تا نکه‌ای ما بوسیله ارتش توپخانه‌های عراق از بین رفت و در یک یورش ارتش عراق ۲۳ نفر از همقطران ما کشته شدند و عده زیادی نیز دستگیر شدند ما فقط ۵ نفر فرود آمدیم که توانستیم از درون گرد و خاک و دود عقب نشینی کنیم و حالا می‌خواهیم به پادگان دزفول برویم و خود را معرفی کنیم تا اقلاً "مدا" نقلاً" شناخته شویم، این درجه دار از شدت خستگی و گرسنگی لبها پش خشک و چشما پش

گودرفته بود، از یادآوری صحنه متلاشی شدن همقطران پش بقض گلویش را گرفته بود و قطرات اشک از چشمانش سرازیر شد و مرتب به ارتش و فرماندهان آن نفرین می‌فرستاد.

گفتگوی یک سرباز: در روستاهای

اطراف اهواز (بخصوص حمیدیه) مستقر شدیم، شیوخ عرب عناصری را با موتور سیکلت بطرف ما فرستادند این عناصری فرماندهان گفتگو می‌کردند و سپس از آن محل دور میشدند، بعد از مدت کوتاهی گلوله‌های توپ‌های عراق ما را زیر رگبار می‌گرفت، نمی‌دانم بین شیوخ و فرماندهان ارتش و موتور سواران چه را زور می‌وجود داشته که پس از صحبت آنها رگبار بطرف ما بسته میشود، بدنبال این

آزادی خلبانان کودتاچی، یکی دیگر از خیرات جنگ!

در هنگام حمله همه جاذبه هوایی عراق به ایران، بنی صدریه نیروی هوایی رفته است تا نیروها را از ریزایی کنند در آنجا به او گفته میشود که تنها خلبانانها که در رابطه با کودتا دستگیر شده‌اند، میتوانستند عراق را بمباران کنند، بنی صدر از دادستان کل انقلاب می‌خواهد که تعدادی از خلبانان کودتاچی را آزاد کند.

جنگ تحمیلی موجب تشدید سرکوب سربازان شده است

پادگانهای تهران با زاع سه چهار ساعت خروج از پادگان بدستور فرمانده، بسر خدمت سربازان مزبور ۵ روز اضافه شده و از آنها "تعهدنامه" گرفته‌اند، این روش سرکوب سربازان و تبدیل پادگانها به زندان بصورت قانونی در کلیه پادگانها با جرا در می‌آید، ارتجاع در زمان جنگ نه تنها سرکوب و خفقان را در سطح اجتماع گسترده تر می‌آورد بلکه همچنین در درون ارگانهای سرکوب نیز این اقدام را فشرده تر میکند، اما مه جنگ تا عا دلانه موجب میشود تا سربازان هر چه بیشتر از جنگ متفرگرددند و فرماندهان مزدور میکوشند برای خنثی کردن این تنفر به سرکوب بیشتر روی آورند!

با شروع و تشدید جنگ تحمیلی رژیم-های ارتجاعی عراق و ایران فشار وارده بر سربازان شدت پیدا کرده است، رفتن فرماندهان با سربازان، بسیار بدتر از رفتار با زندانیان است و بهیچوجه با آنها مرخصی (حتی برای یکی دو ساعت) نمی-دهند و کسانی که در اجرای "اوامر" فرمانده-ان تعلل میکنند بختی تنبیه میشوند و اخیرا روش جدیدی نیز در ارتش ارتجاعی بکار گرفته میشود و آنهم گرفتن "تعهدنامه" است که در صورت تکرار عمل "خلاف" (البته خلاف از دید فرماندهان ارتجاعی) دست فرماندهان را در اتخاذ روشهای سرکوب شدیدتر، باز می‌گردد، در یکی از

قوطنه‌های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می‌کنیم!

گوشه‌های مختلف جنگ

ایماد مصائب ناشی از جنگ تا کجاست ؟

■ - در حمله‌ای که روز ۷/۱۹ نیروهای عراقی بمردم خرمشهر کردند، حدود ۱۶۰ نفر از نیروهای ارتش ایران کشته شدند. مردم که همان روز بعلت آتش خمسه خمسه عراقیها نتوانستند اجساد سربازان را جمع کنند، روز بعد که مراجع می‌کنند با صحنه دلخراشی مواجه میشوند: سگها مشغول خوردن اجساد بودند لازم به ذکر است که هم‌اکنون مردم اداره بهداشت و بهداشتی آبادان در صدد کشتن این سگها هستند زیرا آنها به خرمشهر رفته و اجساد مدفون نشده آنجا را هم خورده بودند و دچار بیماری‌های گشته اند که با گاز گرفتن مردم این بیماری را منتقل میکنند. اینهم یکی دیگر از مصیبت‌ها این است که از جنگ ناشی میشود آنهم جنگی که یزد و با خش برای زحمتکشان ایران (و عراق) فرقی نمیکند.

اشتباه‌های جناب فرمانده!

روز جمعه ۵۹/۷/۲۵ ساعت یک بعد از ظهر دو فروند میگ عراقی، منطقه بندرماهشهر و تانکهای سوخت را در محلی موسوم به "بنڈ" مورد حمله هوایی قرار دادند. در این حمله ۶ تانک و مواد سوختی و یک لوله گاز مورد اصابت راکت قرار گرفته، به آتش کشیده میشود و چند نفر از رکنان اداره پخش زخمی میشوند. یکی از ارتشیان می‌گفت: قبل از حمله هوایی، از طرف مرکز (آدار) بما گفته بودند که هواپیما خودی است و بطرف آن شلیک نکنید (!) و ما بنا به گفته رادار تیراندازی نکردیم تا اینکه هواپیماها شروع به بمباران اندازی کردند، ما بعد از آن شلیک کردیم. این مسئله ناشی از محاسبه دقیق فرمانده بود یا اشتباه‌هایی؟ او؟ کدایک؟

شهادت بزرگترین افتخار برای شهادت!!

■ - صبح روز ۵۹/۷/۲۶ بیمارستان امداد آبادان مورد اصابت راکت قرار میگیرد و ۸ کشته و تعدادی مجروح برجای می‌گذارد این فاجعه موجب برهم خوردن بیمارستان و خرابی روحیه پرسنل آن می‌شود. پرستاران دیگر قاربه‌کارکردن

نبوده و مدا مگریه میکردند. بخصوص هنگامی که جسد سربازی را به سردخانه می‌بردند پرستاران و دیگر کارکنان ناسازناشتار دولت میکردند و میگفتند: "آنها در تهران نشسته اند و دستور میدهند" بخصوص به آیت الله‌خامنه‌ای که گفته بود "شهادت بزرگترین افتخار برای شماست" دشنام میدادند. مردم و کارکنان بیمارستان می‌گفتند: "اینها (منظورشان هئیت حاکمه است) خودشان نمی‌توانند بمردم ایران برسند حالا میخواهند برای مردم عراق انقلاب اسلامی صادر کنند". در این گیر و دار رجا لیست که چند تک‌آور نیز در حیطه بیمارستان گریه میکردند! برآستی که "شهادت" هم برای سوان رؤییم‌دکان پر درآمدی شده است!

هنگامیکه روحانیون "مبارز" زخمی میشوند!

چندی پیش آخوندی به نام "سیدهای مدنی" که از ناحیه سر و دست زخمی شده بود به بیمارستان صحرایی "دارخوین" برده میشود. قرار شد او را به هوا منتقل کنند ولی گویا جان ایشان عزیزتر از این است که به هوا منتقل شود. وی اصرار زیاد میکند که او را به تهران ببرند تا مبادا جان "عزیزش" در معرض خطر مرگ قرار بگیرد. او برای اینکه می‌خش را محکم بگوید می‌گفت: "بابا یدمرا به تهران ببرید یا از اینجا تکان نمی‌خورم" بالاخره این آخوند "مبارز" و "مشتاق بهشت" به آرویش رسید و به تهران منتقل شد. جالب اینجا است که این اتفاق همزمان بود با مرگ جوان ۱۶ ساله‌ای که فقط ضربه جزئی به سرش وارد شده بود و امکان بهبودی او وجود داشت اما بر اثر کمبود ابتدایی‌ترین وسایل پزشکی (برای ناکارآمدستگاه اکسیژن و...) و کمبود پزشک، قربانی نظام طبقاتی و جنگ ارتجاعی گنونی شد.

فشار بر ساداران رژیم به آوارگان جنگ

روز ۷/۲۴ در محله "تل" را مهرمز، پاسداری از ابتدای شب خانه‌ای را که یک خانواده آواره جنگ در آن بسر میبرد، تحت نظر قرار میدهند. (بالباسی شخصی) چند ساعت بعد حدود ۲۴ پاسدار ۳ بدست به خانه مزبور هجوم می‌برند و چون هوا تاریک

بود و صاحب خانه در را با زنجیر کرد، از طریق دیوار پاسداران وارد منزل میشوند و عتفرا ز خانه جنگ زده را که وحشت زده بودند، دستگیر و به پاسدار خانه می‌برند. آنها را بجرم "پخش اعلامیه" و "داشتن اسلحه" (!) بازداشت میکنند که روز بعد ۴ نفرشان را آزاد میکنند ولی هنوز از سرنوشت دو نفر دیگر خبری نیست. ■

آقای چمران سهمیاش را میخواهد!

روز چهارشنبه ۷/۲۴ حدود ۳۰۰ نفر از سربازان منفی خدمت ۵۶ را به عنوان سهمیه ژاندارمری به هوا منتقل میکنند هنگام ورود این سربازان به پایدگان، دکتر چمران به همراه یک روحانی سرمیرسدو میگوید که "اینها برای من و سهمیه من هستند" (!) برای تربیت کماندو "در این موقع استوار ژاندارمری که برای تحویل گرفتن این سربازان بخت برگشته آمده بود، روی "سهمیه ژاندارمری" بودن سربازان تکیه میکند. ولی آقای چمران میگوید "من عضو شورای دفاع هستم و هر چه من بگویم درست است". و بالاخره علیرغم تمایل خود سربازان، جناب چمران به "سهمیه" اش میرسد! سهمیه‌ای که برای کشتن ارسال میشوند! ■

بقیه از صفحه ۸ افزایش...

خمپاره‌های عراقی بسیار بیشتر از روزهای دیگر بود. مدتی است که آنها ناحیه "بازرگان" را مورد اصابت خمپاره و راکت قرار داده‌اند مردم با هم بیشتر و بیشتر از شهر خارج می‌شوند. آنجا یروزها بیشتر چشم می‌خورد اینست که مردمی که قبلاً به شهرستانهای شیراز، اصفهان، را مهرمز و غیره رفته بودند اکنون پس از پیدا کردن جایی به آبادان بازگشته و ناآشیه خود را هم می‌برند. اغلب کارگران شرکت نفت و یا کارمندان که از وام مسکن استفاده کرده بودند و از شهرهای شیراز یا اصفهان خانه خریداری کرده بودند، اکنون که چنین موقعیتی پیش آمده به آن خانه‌ها اسباب‌کشی میکنند، و یا کارگرانی که ماه‌ها تا یکسال دیگر بازنشسته میشوند از هم‌اکنون مبادرت به اسباب‌کشی به شهرستانهای مذکور کرده‌اند. پیرمردی که از مهرمز آمده بود، گریه‌کنان از وضع اسفبار مردم کوچ کرده در مهرمز، صحبت میکرد. او از شلوغی شهری و بی‌غذائی مردم تمسح می‌کرد و می‌گفت: "خمینی مملکت را با باد داد. این چه وضعی است که او درست کرده؟..."

دستگیری هوادران سازمان

در تاریخ ۵۹/۷/۱۸ که عده‌ای از هوادران سازمان بیکار در کوی بهمنشیر مشغول ورزش صبحگاهی بودند، ۲۰ نفر پاسدار متورسوار پس از چندبار دور زدن قصد دستگیری یکی از رفقا را میکنند، این پاسداران سرمایه‌هنکام دستگیری رفیق مذکور که قبلاً شناسایی کرده بودند، با مقاومت سایر رفقای روبرو شده و طبق درگیری جزئی رفیق مورد نظر موفق به فرار می‌شود، دقایقی بعد تعدادی پاسدار مسلح به خانه آنها رفته و برادر و پدرش را بازداشت میکنند، در پاسدارخانه پس از گرفتن تعدادی در رفیق مبتنی بر اینکه به محض مشاهده پسرش او را به پاسدارها تحویل دهد، آنها را آزاد میکنند، اما به هنگام خروج از پاسدارخانه برادر رفیق را کشته‌اشانی کرده بودند و بازه بازداشت میکنند (کویامیلا میدان استندک) این رفیق برادر همان فردا ولی است چون در ورزش صبحگاهی هم دیده بودند و همین خاطرات او را گرفتند، سپس از دستگیری او را به دادگاه تحویل می‌دهند، رفیق مذکور پس از ۲۴ ساعت بازداشت که در این مدت مورد اذیت و شکنجه پاسداران قرار گرفته بود، آزاد گردید، اکنون پاسداران ناحیه را تحت نظر دارند تا سایر رفقا را دستگیر کنند.

اکنون کدر رژیم جمهوری اسلامی و عراق جنگ غیرعادلانه‌ای را بر تندها تحمیل کرده اند رژیم از سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست‌های پیکریک دم غافل نمی‌ماند چرا که به درستی میداند دشمنان واقعی سیستمی که او از آن حفظ و حراست میکنند، چه کسانی هستند.

بقیه از صفحه ۱ کودتایان...

است افراد زیر همانهایی هستند که بقول رژیم جمهوری اسلامی بر علیه "مستضعفین" میخواستند کودتا کنند، عجب! چه شده است حالا دیگر کودتای و فدا سلام هستند این افراد عبا رتند از ۱- سروان خلیان آنت (این شخص کسی است که پس از قیام توسط پرسنل انقلابی ارتش تصفیه شد ولی مجدداً در حمله وحشیانه رژیم به کردستان بکار گرفته شد، این فرد حسیزه کمانی است که در رابطه با کودتای جیسان دستگیر شده بود) ۲- سروان خلیان مهدی

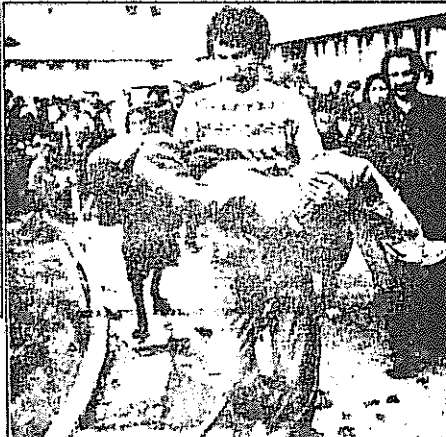
جنگی که رژیم‌های ارتجاعی برافروزند جز بزیان زحمتکشان نیست

آری رژیم عراق زحمتکشان ما را با توبیاهی می‌کشد و تکه‌تکه می‌کند.

اما رژیم ایران نیز همین کار را می‌کند ولی آنرا از چشم مردم ما پنهان نگاه میدارد، رژیم وانمود می‌کند که هواپیماهای فانتوم آمریکایی کاری به مناطق مسکونی و غیرنظامی ندارند ولی دروغ می‌گوید! عکس زیر یکی از مدها نمونه است:



یک مادر عراقی، کودک زخمی اش را در بیمارستان بصره دل‌داری میدهد. (نقل از شایم ۶ اکتبر)



درز کردن اطلاعات نظامی ارتش برای عراقیها!

اهواز: یک قطار حامل ۷۰ یا ۸۰ واکن پرازمهمات و اسلحه بمحس رسیدن به ایستگاهها موسک عراقیها منهدم می‌گردد قطار دیگری که حامل مهمات و اسلحه برای اهواز بود، در نزدیکی اندیمشک منهدم می‌شود.

مسجدی را مخفیانه با مهمات می‌کنند ولی شب همان مسجد با موشک منهدم می‌گردد.

بدلیل نبودن مهمات و ترسیدن پشتیبانی و همچنین بعلب در حمال آمادهاش بودن نیروهای عراقی یک شیخون ارتش ایران که با ۵ تانک انجام گرفت، کاملاً با شکست مواجهه می‌شود و هر ۵ تانک نابود می‌گردد.

"به جبهه جنگ شتافتن" خامنه‌ای!!

روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه خامنه‌ای که مرتباً از طریق رادیو و تلویزیون، مردم را "بسی بهشت" و "نوشیدن شربت شهادت" دعوت میکند، برای برگشتن از اهواز یک هواپیمای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود با تلفن احضار میکند، یک پزشک حاضر در فرودگاه ارا و میخا هدا مریض مشرف به مرگ را با خود به تهران ببرد، خامنه‌ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه خلیان میگوید که هواپیما ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خامنه‌ای میگوید، چون باید پاسدارانش را همراه خودش ببرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

افزایش روزافزون کوچ مردم نواحی جنگ‌زده

۵۹/۷/۲۱ شب گذشته آبادان شیب و حشتناک و دلهره‌آوری را گذراند، برتاب بقیه در صفحه ۷

۳- سروان خلیان ناجری ۳- سپید مینوسپهر ۵- سرهنگ کیمیا کریم سرکرد بیدگلی ۷- سرکرد مکی ۸- سرتیپ صاحت ۹- سرکرد خلیایی، خوبست بگوئیم سرگرد بیدگلی چه کسی است تا بیشتر آنرا بشناسیم: سرگرد بیدگلی کسی است که اویمی جلاد را با همایمی اف- ۵ از ایران فراری داده و به اسرائیل رسانید.